

بحران اوکراین

تقابل ریفانسیسم روسی و گسترش طلبی غرب

دکتر افشین زرگر *** سینا صیاد

شابک : 978-600-95802-5-5

شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۶۲۰۱۹
عنوان و نام پدیدآور	: بحران اوکراین : تقابل ریوانشیسیم روسی و گسترش طلبی غرب/افشین زرگر ، سینا صیاد.
مشخصات نشر	: تهران: نشر علوم اجتماعی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۲۲۷ ص
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۰۵.
موضوع	: انقلاب — اوکراین — تاریخ — قرن ۲۱ م.
موضوع	: Revolutions -- Ukraine -- History -- 21st century :
موضوع	: اوکراین — سیاست و حکومت — قرن ۲۱ م.
موضوع	: Ukraine -- Politics and government -- 21st century :
موضوع	: اوکراین — روابط خارجی — ۱۹۹۱ -
موضوع	: - Ukraine -- Foreign relations -- 1991 :
موضوع	: اوکراین — روابط خارجی — روسیه
موضوع	: Ukraine -- Foreign relations -- Russia :
موضوع	: روسیه — روابط خارجی — اوکراین
موضوع	: Russia -- Foreign relations -- Ukraine :
رده بندی دیویی	: ۳۷/۷
رده بندی کنگره	: DK۵۰۸/۸۴۰۳۱۲
سرشناسه	: زرگر، افشین ۱۳۵۶ -
شناسه افزوده	: صیاد، سینا ۱۳۶۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا



نشر علوم اجتماعی

نام کتاب: بحران اوکراین، تقابل ریوانشیسیم روسی و گسترش طلبی غرب

تألیف: افشین زرگر، سینا صیاد

ناشر: نشر علوم اجتماعی

شمارگان: ۲۰۰

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۵

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

آدرس ناشر: میدان انقلاب، ابتدای جمالزاده جنوبی، کوچه دانشور، پلاک ۵، واحد ۵

تلفکس: ۲۲۰۸۴۹۴۲ همراه: ۰۹۱۲۸۰۲۴۵۸۱

چکیده

با بررسی تاریخ روابط بین‌الملل در طول چند قرن اخیر می‌توان دریافت که با ظهور امپراتوری روسیه و افزایش تماس‌ها و ارتباطات آن با غرب، تعارضات نیز افزایش یافته است. پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ برای مدت دو سال جمهوری‌های جدا شده به فراموشی سپرده شدند، اما در سال ۱۹۹۳، شبه‌های پس از شوروی به‌عنوان خارج نزدیک دوباره در کانون توجه روسیه قرار گرفت، زیرا حضور و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این کشورها باعث ایجاد مشکلات سیاسی و تعمیق شکاف‌های قومی در این منطقه و روسیه شد. در این دوره نیز از یکسو، کرملین نگران نفوذ غرب و گسترش ناتو به شرق بود و از سوی دیگر، غرب تلاش می‌کند تا کشورهای حوزه اوراسیا را در جمع متحدان خود بگنجاند. در نتیجه روسیه به کشورهای حوزه اوراسیا و شرق اروپا بکاهد. بر مبنای نظریات ژئوپلیتیک، سیاست‌مداران روسیه و غرب به موقعیت استراتژیک این منطقه واقف هستند، بنابراین همواره در طول تاریخ، این منطقه حوزه رقابت‌های دوطرف بوده و منجر به بروز تعارضات جدی و بحران‌های سیاسی شده است. روسیه خواهان تشکیل اتحادی شبیه به اتحادیه اروپا و البته با مشارکت جمهوری‌های پس از شوروی است. با غرب که از ایجاد دوباره روسیه قدرتمند هراس دارد، با این امر به مخالفت پرداخته است. روسیه به دنبال بحران هویتی می‌باشد که برگرفته از ذهنیت ملی روس، در سده شانزدهم میلادی بوده است. در این میان، همراهی آمریکا با اروپا و ادعاهای سلطه‌جویانه ایالات متحده، باعث شده تا سیمای این کشور را ادهان ملت روس روشن و قابل قبول به تصویر کشیده نشود. فعالیت ایالات متحده و اروپا در کشورهای پس از شوروی که بخشی از حوزه فرهنگی روسیه می‌باشد، باعث ایجاد حس خطر مستقیم برای منافع و امنیت ملی روسیه شده است و آن‌ها را به اتخاذ اقدامات متقابل واداشته است که می‌توان، نمود آن را در بحران سیاسی اوکراین ۲۰۱۴ مشاهده کرد. روسیه از یکسو و غرب از سوی دیگر، نقش بسیار مهمی را در بحران اوکراین ایفا نموده‌اند. اساساً می‌توان فلسفه بحران و نقطه شروع آن را در رقابت و تقابل میان غرب‌گرایان و هواداران روسیه بر سر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی اوکراین دانست.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۷	فصل اول: چارچوب نظری
۷	درآمد
۸	۱-۱ نظریه های ژئوپلیتیک
۱۰	۱-۱-۱ نظریه های سنتی ژئوپلیتیک
۱۱	۱-۱-۱-۱ نظریه فنی حیاتی
۱۱	۱-۱-۱-۲ نظریه کشور به عنوان موجود زنده
۱۲	۱-۱-۱-۳ نظریه قدرت دریایی
۱۲	۱-۱-۱-۴ نظریه قدرت خشکی هارتلند
۱۳	۱-۱-۱-۵ نظریه ریملند
۱۵	۱-۱-۲ نظریه های جدید ژئوپلیتیک
۱۸	۱-۲ اوراسیا در نظریه های ژئوپلیتیک
۲۱	۱-۳ نظریه نوواقع گرایی
۲۱	۱-۳-۱ مفروضات اساسی نظریه نوواقع گرایی
۲۴	۱-۴ تحلیل رقابت قدرت های بزرگ در چارچوب نظریه
۲۵	۱-۵ ساختار کنونی نظام بین الملل و تأثیر آن بر تعامل قدرت های بزرگ
۲۶	۱-۶ کاربرد نظریه در پژوهش
۲۸	نتیجه

فصل دوم: اهمیت استراتژیک اوراسیای مرکزی و جایگاه اوکراین

درآمد

۲-۱ آشنایی با اوراسیای مرکزی

۲-۲ ژئوپلتیک و ظهور تفکر اوراسیاگرایی

۲-۳ اوراسیای مرکزی در نظریه های ژئوپلتیکی

۲-۴ اهمیت اوراسیای مرکزی برای قدرت های بزرگ

۲-۴-۱ ایالات متحده آمریکا

۲-۴-۲ روسیه

۲-۴-۳ چین

۲-۴-۴ اتحادیه اروپا

۲-۵ رقابت قدرت های بزرگ برای تسلط بر اوراسیای مرکزی

۲-۵-۱ رقابت قدرت های بزرگ در دوران جنگ سرد

۲-۵-۲ رقابت قدرت های بزرگ پس از جنگ سرد

۲-۵-۳ رقابت قدرت های بزرگ پس از ۲۰۰۰

۲-۶ بازیگران تأثیرگذار در اوراسیای مرکزی

۲-۷ اهمیت اوکراین در منطقه اوراسیای مرکزی

۲-۸ اوکراین به عنوان صحنه رقابت قدرت های بزرگ، ز گذشته تا کنون

نتیجه

فصل سوم: بحران سیاسی اوکراین و نقش بازیگران خارجی

درآمد

۳-۱ وضعیت سیاسی اوکراین پس از استقلال

الف - از ۱۹۹۱ (استقلال) تا ۲۰۰۴ (انقلاب نارنجی)

ب - از ۲۰۰۴ (انقلاب نارنجی) تا ۲۰۱۰ (پیروزی روس گرایان)

ج - از ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ (بحران سیاسی اوکراین)

۳-۲ ابعاد بحران سیاسی اوکراین ۲۰۱۴

۸۸	۳-۲-۱ بعد تاریخی
۸۹	۳-۲-۲ بعد ژئوپلیتیک
۹۱	۳-۲-۳ بعد ژئواکونومیک
۹۲	۳-۲-۴ بعد نظامی
۹۴	۳-۲-۵ بعد امنیتی
۹۶	۳-۳ عوامل مؤثر در بروز بحران سیاسی اوکراین ۲۰۱۴
۹۶	۳-۱-۱ عوامل داخلی (ملی) بروز بحران اوکراین ۲۰۱۴
۹۶	۳-۳-۱-۱ عوامل فردی (شخصی)
۹۷	۳-۳-۱-۲ امنیت در دولت-ملت سازی
۱۰۲	۳-۳-۲ عوامل خارجی بروز بحران اوکراین ۲۰۱۴
۱۰۲	۳-۳-۲-۱ ریم و چاربیای تاتارها
۱۰۳	۳-۳-۲-۲ قحطی -ورار- جنگ جهانی
۱۰۴	۳-۳-۲-۳ ناوگان دریای سیاه و پایگاه دریایی آن
۱۰۵	۳-۳-۲-۴ اختلاف بر سر سلیت هسته‌ای مستقر در اوکراین
۱۰۶	۳-۳-۲-۵ جدال بین شرق و غرب اوکراین
۱۰۹	۳-۴ نقش بازیگران خارجی در بحران سیاسی اوکراین ۲۰۱۴
۱۰۹	۳-۴-۱ نقش روسیه
۱۱۱	۳-۴-۲ نقش ایالات متحده آمریکا
۱۱۲	۳-۴-۳ نقش اتحادیه اروپا
۱۱۴	۳-۴-۴ نقش چین
۱۱۵	۳-۵ سیاست خارجی اوکراین نسبت به غرب و روسیه
۱۱۷	۳-۵-۱ اوکراین و روسیه
۱۲۱	۳-۵-۲ اوکراین و اتحادیه اروپا
۱۲۴	۳-۵-۳ اوکراین و ناتو
۱۲۵	۳-۵-۴ اوکراین و ایالات متحده آمریکا
۱۲۸	۳-۶ اوکراین بین اتحادیه اروپا و اتحادیه اوراسیایی

۱۳۶

نتیجه

۱۴۱ فصل چهارم: رقابت روسیه و غرب در اوراسیا و بحران سیاسی ۲۰۱۴ اوکراین

۱۴۱

درآمد

۱۴۲

۴-۱ بررسی تحولات اوکراین در چارچوب رقابت روسیه و غرب

۱۴۲

۴-۱-۱ روابط روسیه و غرب ۱۹۹۱-۲۰۰۰

۱۴۵

۴-۱-۲ روابط روسیه و غرب ۲۰۰۰-۲۰۰۸

۱۴۹

۴-۱-۳ روابط روسیه و غرب ۲۰۰۸-۲۰۱۲

۱۵۱

۴-۱-۴ روابط روسیه و غرب ۲۰۱۲ تا کنون

۱۵۳

۴-۲ گسترش ناتو و نفوذ غرب در اوراسیا و موضع روسیه

۱۵۷

۴-۲-۱ دوران تسلط مل با غرب ۱۹۹۰-۲۰۰۰

۱۵۸

۴-۲-۲ دوران تمرکز بر آسیا - تقابل ۲۰۰۰-۲۰۰۸

۱۵۹

۴-۲-۳ دوران تقابل ۲۰۰۸ تا کنون

۱۶۱

۴-۳ احیای قدرت روسیه و تقابل جدیدی با غرب

۱۶۴

۴-۴ ابزارهای نفوذ روسیه و غرب در آسیای مرکزی

۱۷۰

۴-۵ سیاست خارجی روسیه و غرب در اوراسیا و مرکزی

۱۷۲

۴-۶ تأثیر رقابت روسیه و غرب در اوراسیای مرکزی بر بحران اوکراین

۱۷۴

۴-۶-۱ نگاهی بر مفروضات نظریه نو واقع گرایی (تأثیرات و اختار)

۱۷۸

۴-۶-۲ حمایت روسیه از جدایی طلبان

۱۸۲

۴-۶-۳ حمایت غرب از حکومت مرکزی

۱۸۴

نتیجه

۱۸۷

فهرام سخن

۲۰۵

منابع

"روابط غرب-روسیه مسموم‌تر شد و کرملین را
واداشت تا تجدید نظر در سیاست خارجی‌اش را
کامل کند."

(گگان، ۱۳۹۰: ۹۲)

پیش‌گفتار

بسیاری از مورخان براین عقیده‌اند که دولت (کی‌یف) نخستین تمرکز سیاسی روس‌ها بود که توسط پرنس ولادیمیر و با پذیرش مسیحیت ارتدوکس در سال‌های ۹۸۰ تا ۱۰۱۵ میلادی شکل گرفت. این دولت در اوایل قرن سیزدهم میلادی توسط حمله‌های مغول از میان رفت. پس از آن دولت مسکوی به‌وجود آمد که به وارث اقتدار سیاسی شاهزاده‌نشین کیف بود. در اواخر قرن پانزدهم ایوان سوم پس از واکش با دختر آخرین امپراتور بیزانس خود را تزار (برگرفته از نام قیصر) خواند. برخی از مورخان او را بنیان‌گذار نخستین پلیس سیاسی در جهان می‌دانند، وی از پذیرش حاکمیت مغولان سر باز زد و پس از شکست دادن آن‌ها به گسترش و تحکیم مرزهای دولت مسکوی پرداخت. ظهور سلسله رومانوف نقطه عطفی در تاریخ این کشور بود. پس از میخائیل رومانوف که توانست بر نابسامانی و بحران اقتصادی فائق آید پترکبیر توانست این روند را ادامه دهد در دوران پتر در اواخر قرن هفدهم و آغاز قرن هجدهم روسیه هنوز یک کشور عقب‌مانده بود اما اقدامات او از جمله اصلاحات سیاسی و اجتماعی و تلاش‌های او در راستای

اروپایی ساختن روسیه؛ و اصلاح ارتش و ایجاد حکومت مقتدر مرکزی باعث پیشرفت فزاینده روسیه شد. بسیاری براین عقیده‌اند که سیاست خارجی کنونی روسیه برگرفته از تفکران پتر کبیر است و نوه وی (کاترین کبیر) نیز در راستای همین سیاست و گسترش مرزهای سرزمین روسیه و ایفای نقش بین‌المللی روسیه اقدام به جنگ‌ها و تصرف سرزمین‌های متعدد از جمله اوکراین نمود. (کولای، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۴) در واقع می‌توان امپراتوری روسیه را از جمله قدرت‌هایی دانست که پس از معاهده وستفاليا ۱۶۴۸ در عرصه بین‌المللی مطرح شده بود. در این دوره می‌توان به پیشروی‌های روسیه در مناطق شمالی، شرقی، غربی و ناحیه قفقاز و حوزه بالکان که از مناطق تحت تعارض با عثمانی بود اشاره کرد. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۷-۳۵)

آنچه که در مطالعه تاریخ روسیه ملموس می‌باشد این نکته است که در تمام ادوار ۱- روسیه کهن ۲- روسیه جدید (اتحاد جماهیر شوروی) ۳- روسیه کنونی (بعد از فروپاشی شوروی) تعارضات هویتی وجود داشته است به عبارتی این تعارضات باعث شده که روسیه هرگز دولت ملت نباشد و علت اصلی تعارض در سیاست خارجی این کشور نیز همین مسئله بوده است. روس‌ها در طی قرون و اعصار نتوانسته بودند یک ملت واحد به‌وجود آورند بلکه یک امپراتوری بنا کردند به طوری که به سرعت روسیه در سال ۱۴۹۳ دو میلیون کیلومتر مربع بود و در قرون هجدهم و نوزدهم در اوج شکوفایی به مرز ۲۲ میلیون کیلومتر مربع و یکصد و هفتاد میلیون نفر جمعیت رسید. تعارض هویتی موجود از عواملی بود که در جنگ سرد باعث فروپاشی شوروی و کشاندن متدوال شوروی به دامان غرب شد. پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی سابق، روسیه در دهه ۱۹۹۰ به دنبال سیاست‌های همگرایانه و پست مدرن رهبرانی همچون گورباچف بود اما با افزایش بهای جهانی انرژی، سیاست روسیه نیز تغییر کرد و به دنبال برتری در حوزه‌های سنتی نفوذش بود. (پل اسکوت، ۱۳۹۱: ۲۱-۱۹) روسیه در پی اعمال تسلط بر کشورهایی است که به تعبیر خود «خارج نزدیک» می‌نامد و اروپا و ایالات متحده نیز پس از وقوع انقلاب‌های رنگین و خواسته‌های غرب‌گرایانه کشورهای حوزه اوراسیا به دنبال مقابله

با «ریوانشیسیم روسی» بودند. آغاز حرکت کشورهای اروپای شرقی و بالتیک، بلاروس، مولداوی و اوکراین به سوی غرب و بالعکس، کشورهای اروپایی به سمت شرق، روندی منطقی است که محصول گرایشات معاصر توسعه جهانی و روابط سابق تاریخی و فرهنگی کشورهای اروپای شرقی با کشورهای حوزه اوراسیا است. اما این وضع برای روسیه و منافع این کشور در قسمت غربی اوراسیا و اروپا خطرات جدیدی به وجود می‌آورد و روسیه را با چالش جدیدی مواجه می‌سازد که ریشه آن، در ساختار روان‌شناختی و فرهنگی برداشت‌های ملی وابسته است. از دست دادن برخی از این مناطق باعث سرخوردگی ملی در بین روس‌ها می‌شود چرا که تلاش‌های چند صدساله روسیه در راه دسترسی به اقیانوس جهانی از طریق تنگه‌های دریای سیاه و سواحل بالتیک را بی‌تأثیر می‌نماید.

با توجه به نظریات ژئوپلیتیک، روسیه برای کسب اقتدار سنتی خود باید بر اوراسیا تسلط داشته باشد. از طرفی با افزایش وابستگی جهانی به انرژی و عبور مسیرهای انتقال انرژی از جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی به بازارهای اروپایی و آسیایی این منطقه بیش از پیش مورد توجه قدرت‌های جهانی قرار گرفته است. در نخستین دهه پس از فروپاشی شوروی، اهمیت ژئوپلیتیک و استراتژیک اوراسیا در کنار عواملی همچون مشکلات داخلی در روسیه، اختلافات قومی، بحران‌های مالی و مشکلات اقتصادی کشورهای منطقه فرصتی برای قدرت‌های غربی (آمریکا و اروپا) فراهم کرد، تا با بهره برداری از اوضاع نابسامان اقتصادی و سیاسی منطقه، نفوذ و فعالیت اقتصادی خود را به وسیله سرمایه‌گذاری‌ها در منطقه اوراسیا و کشورهای استقلال یافته گسترش دهند که البته با طرح گسترش ناتو به شرق، واکنش روسیه به صورت جدی‌تری بروز نمود. تقابل غرب و روسیه با آغاز سیاست احیای قدرت روسیه در منطقه، تشدید شد. در همین راستا اوکراین نیز برای مسکو حائز اهمیت استراتژیک است، چرا که این کشور هم به عنوان یک منطقه حائل میان روسیه و ناتو عمل می‌کند و هم این‌که مسیر انتقال قسمت عمده‌ای از انرژی روسیه به اروپا از طریق اوکراین صورت می‌گیرد. در نوامبر

۲۰۱۳ در پی عدم انعقاد توافق تجاری بین دولت یانوکوویچ و اتحادیه اروپا، اعتراضاتی به وجود آمد و ناآرامی‌ها اوکراین را فراگرفت و دولت نیز در واکنش به آن، به سرکوب معترضان پرداخت. پس از آن رئیس‌جمهور (یانوکوویچ) در سفر به روسیه به انعقاد پیمان‌های تجاری و دیدارهای مکرر با پوتین پرداخت که عملاً بیانگر سیاست او، در دوری از اروپا و گرایش به روسیه بود. ادامه این اقدامات دولت اوکراین، بر خشم مردم و شدت اعتراضات افزود که نهایتاً به برکناری یانوکوویچ و روی کارآمدن دولت موقت انجامید. دومین روسیه نیز در پی واکنش به این مسئله، مجوز استفاده از قدرت نظامی در اوکراین را صادر نمود و پیامد آن، اقدام به اشغال نظامی کریمه نمودند.

برای روسیه، موازنه آسیا و حفظ برتری در آن دارای اولویت بوده و خود را پایبند و مصمم در حفظ منطقه‌ای به هر طریقی حتی کاربرد قوه قهریه نشان داده است. اوراسیایگرایی از دیرباز در دستور کار سیاست خارجی روسیه از جایگاه مهمی برخوردار بوده و در واقع می‌توان قدمت تاریخی این جهت‌گیری را، در سده شانزدهم میلادی و آغاز ضعف امپراطوری عثمانی جست‌وجو کرد. بعد از سیاست خارجی روسیه پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و فروپاشی امپراتوری روسیه تا مدت‌ها دستخوش افکار بلشویکی پس از انقلاب بود و نگرش به مرزهای خارج از روسیه و سرزمین‌های مجاور در سیاست‌گذاری‌های سران این کشور عیان نبود. اما بتدریج می‌توان تغییر را در نگرش، نسبت به سیاست پیشین را در سال‌های پس از جنگ جهانی اول مشاهده کرد. نمود بارز آن کشف (سند استافکا) و همچنین گسترش نفوذ روسیه تا مرزهای برلین توسط استالین، عنوان یکی از فاتحان جنگ جهانی دوم بود. این نگرش در دوران جنگ سرد نیز وجود داشت. پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰ آتلانتیست‌ها از جله یلتسین و کوزیروف سیاست گسترش مرزهای اقتصادی و پیوستن به غرب را جایگزین توسعه‌طلبی ایدئولوژیک و سرزمینی کردند که نمونه بارز آن پیوستن روسیه به سازمان همکاری و امنیت اروپا بود اما برآیند و سنتز این تفکر ظهور اوراسیانیست‌ها از ۱۹۹۵ به بعد در میان روشنفکران روسیه بود.

روی کارآمدن ولادیمیر پوتین نمود بارز این تحول بود. در این دوره سیاست خارجی ریوانشیمی روسیه را می‌توان در قالب سیاست عملگرای پوتین و جدال با غرب در اوراسیا مشاهده نمود و بحران گرجستان و ادعاهای روسیه در اوکراین نیز بر مبنای همین سیاست است. اوکراین به‌عنوان همسایه غربی روسیه و پل ارتباطی نفوذ به لهستان، اسلواکی و مجارستان و ورود به اروپا برای روسیه دارای اهمیت ژئوپلیتیک است. از آنجا که روسیه، اوراسیای مرکزی را «خارج نزدیک» خود می‌داند و سیاست گسترش ناتو به شرق اروپای مرکزی را یک تهدید امنیتی به حساب می‌آورد، وقوع تحولات اخیر اوکراین و اعتراضات علیه دولت سابق این کشور و برکناری ویکتور یانوکویچ (روس‌گرایان) را تحمل نیاورد و اقدام به مداخله نظامی در کریمه نمود که منجر به اشغال نظامی این منطقه شد و چندی پس از آن نیز، با اعلام همه‌پرسی، رأی به استقلال کریمه از اوکراین و الحاق این منطقه به روسیه داده شد. حال این سوال مطرح است که رقابت ژئوپلیتیک بین روسیه و غرب که جزء لاینفک تاریخ سیاست خارجی روسیه بوده چه تأثیری در بحران سیاسی اوکراین ۲۰۱۴ دارد؟ هدف از این پژوهش، بررسی رقابت روسیه در مقابل غرب در اوراسیا و تأثیری است که این رقابت می‌تواند بر بحران اوکراین داشته باشد.